

اشاره: ایران باید در سیاست و تعاملات خارجی خود شرق را انتخاب کند یا غرب را؟ یا شاید هر دو را؟ این سوالی است که همیشه مطرح بوده ولی این روزها بیشتر از گذشته به آن اندیشیده می‌شود. این انتخاب تا زمانی که قرار نباشد ایران راه کشور تالعه تبدیل کند هیچ مغایرتی با شعار «نه شرقی، نه غربی» که از ابتدای انقلاب راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است ندارد. اما حالا جواب درست کدام است؟

لازم است در ابتدا کمی بحث نظری داشته باشیم. در روابط بین‌الملل دولت‌های مختلفی با سطوح قدرت متفاوتی حضور دارند. برای درک شیوه رفتار دولت‌ها و به طور کل نظام بین‌الملل باید به قدرت دولت‌ها و البته شیوه توزیع قدرت آنها در سطوح نظام توجه کرد. همان‌گونه که انسان برای بهره بردن از طبیعت لازم بود تا قوانین آن را به درستی بشناسد تا بهتر بتواند از آن استفاده کند، دولت‌ها نیز تنها پس از فهم درست‌از آرایش قدرت در سطح نظام بین‌الملل است که امکان نقش‌آفرینی مؤثر و مطابق با منافع ملی را پیدا می‌کنند. همان‌گونه که شناخت نیروهای بنیادین طبیعت و پذیرش تأثیر آنها شرط لازم برای مهار و بهره‌برداری درست از آنهاست، در عرصه روابط بین‌الملل نیز نمی‌توان نسبت به نقش توزیع قدرت در شکل‌دهی به سیاست خارجی مبتنی بر تأمین منافع ملی بی‌تفاوت ماند.

هر کشوری در تلاش است تا در عرصه بین‌الملل، آنچه به عنوان منافع ملی تعریف کرده است را پیگیری

تصمیم بزرگ ایران در عصر چندقطبی

کرده و تا حداکثر ممکن آن را تحقق بخشد. بر حسب توان بالقوه‌ای که هر دولتی دارد، برخی منافع محدود و برخی دیگر منافع گسترده‌ای برای خود تعریف می‌کنند اما همیشه منفعلی اصلی و بالاترین اولویت یک کشور، بقای آن است که به معنای اولویت داشتن روابط امنیتی بر هر نوع رابطه دیگری است. پس از تضمین امنیت است که سایر اهداف و منافع را می‌توان پیگیری کرد. با این حال پیگیری منافع ملی امری چالش‌برانگیز است زیرا منافع دولت‌های مختلف با یکدیگر در تضاد است خصوصا اگر همان اولویت اصلی هر دولت یعنی امنیت مد نظر باشد. هر دولتی از قدرتمندتر شدن سایر دولت‌ها احساس نگرانی کرده و تلاش می‌کند تا امنیت مد نظر باشد. هر دولتی از قدرتمندتر شدن سایر دولت‌ها احساس نگرانی کرده و تلاش می‌کند تا با افزایش قدرت خود به مقابله برخیزد. این توازن قوا در بسیاری از موارد به دشواری حاصل می‌شود؛ پس یکی از راه‌های مناسب برای دستیابی به آن ایجاد ائتلاف و اتحاد با سایر دولت‌ها است. هر دولتی که بتواند شرکای بهتری برای خود فراهم کند می‌تواند امنیت خود را نیز

اشاره: اقتصاد جهانی در آستانه تحولی بی سابقه قرار گرفته است. اگر در قرن بیستم موتور محرک اقتصاد، صنعت و انرژی‌های فسیلی بود، قرن بیست‌ویکم بر محور دانش، داده و فناوری‌های نوین می چرخد. جهان آینده، دیگر تنها با نرخ رشد تولید ناخالصی داخلی یا میزان صادرات نفت و گاز تعریف نمی‌شود؛ بلکه «توانایی پردازش داده»، «سلط بر شبکه‌های مالی دیجیتال» و «هدیرت سرمایه انسانی» شاخص‌های اصلی قدرت اقتصادی خواهند بود.

افول دلار و نظم مالی جدید

نخستین تغییر بنیادین در اقتصاد جهانی، چالش رو به رشد سلطه دلار است. ایالات متحده از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، از دلار نه‌فقط به عنوان پول، بلکه به عنوان ابزار سیاست خارجی و اعمال فشار بهره برده است. اما اکنون، چین با «یوان دیجیتال»، روسیه با پیمان‌های پولی منطقه‌ای و حتی کشورهای در آمریکای لاتین و خاورمیانه با استفاده از ارزهای محلی در تجارت دوجانبه، در حال کاستن از وابستگی به دلارند.

این روند به معنای پایان فوری سلطه دلار نیست، اما نشانه‌ای روشن از گذار به یک نظام پولی چندقطبی است؛ نظامی که در آن هیچ واحد پولی به تنهایی قدرت بی‌رقیب نخواهد بود.

اقتصاد داده؛ نفت قرن بیست‌ویکم

اگر قرن بیستم قرن نفت بود، قرن حاضر بی تردید قرن داده است. شرکت‌های بزرگ فناوری ایران، بر اساس آفون آمازون، علی‌بابا و تنسنت، با کنترل داده‌های میلیاردها

بهرتر تأمین کند. در اینجا باز هم این نکته را باید مد نظر داشت که ایجاد ائتلاف با سایر دولت‌ها نیز به داخواه نیست بلکه با پیچیدگی‌های زیادی همراه است. ائتلاف امنیتی بین کشورهایی ممکن است که در ایجاد آن توازن منافع مشترکی داشته باشند. آنگاه دولت‌ها می‌توانند با شرکای امنیتی خود روابط متنوعی را بر اساس منافع متقابل شکل دهند و در عین حال نیز بسا دولت‌های رقیب و حتی متخاصم تا حد امکان و بر اساس موازنه قدرتی که در مسائل امنیتی ایجاد کرده‌اند، همکاری‌های سودمندی را از جمله در مسائل اقتصادی ایجاد کنند. بدین‌ترتیب آنچه مهم است منافع ملی و موازنه قدرت است که منجر می‌شود یک دولت بتواند جایگاه مناسب خود را در نظام بین‌الملل تعریف کرده و بتواند ضمن تضمین امنیت خود، همکاری‌های مختلفی را با سایر دولت‌ها ایجاد کند.

بسا این توضیحات بهتر می‌توان به سؤال ابتدائی پاسخ داد که ایران باید شرق را انتخاب کند یا غرب را؟ آیا امکان انتخاب هر دو وجود دارد؟ ایران به عنوان دولتی که مانند هر دولت دیگری به دنبال منافع خود است عمل می‌کند. این منافع با منافع کشورهای غربی در تضاد قرار دارد و به همین دلیل عملا امکان رابطه طبیعی و بدون چالش با آنان برای ایران وجود ندارد. حتما این سؤال پیش خواهد آمد که چرا بسیاری کشورهای دیگر به اندازه ایران با غرب چالش ندارند؟ در پاسخ باید گفت آن کشورها یا منافع خود را بسیار محدود تعریف کرده‌اند و از پیشی‌پذیرفته‌اند که برای همیشه یک دولت معمولی بمانند و یا در اکثر مواقع

در دوراهی شرق و غرب عقلانیت چه می‌گوید؟

غیاث‌الدین رحیمی – پژوهشگر و کارشناس اقتصاد سیاسی و امنیت بین‌الملل

اصلا بنیه‌های تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در سطح منطقه یا جهان را ندارند. ایران در دوره‌های زمانی مختلف تمام سعی خود را انجام داده تا ضمن حفظ استقلال خود روابط معقولی را با طرف غربی برقرار کند اما هر بار پس زده شده است زیرا از نظر طرف‌های غربی ایران اولا باید تحت کنترل آنها باشد و ثابیا حد و حدود خود را بداند و به دنبال مقدار بیشتری از قدرت نباشد. این قدرت هم الزما قدرت نظامی نیست بلکه حتی توسعه‌ی اقتصادی بین ایران و دو کشور یاد شده به‌وجود آید که انگیزه‌ای قوی برای ایجاد ائتلاف و پیوند زدن بین نیروهای سه کشور برای مقابله با این کشور متخاصم است. گاهی از رابطه بین چین و آمریکا در دوره جنگ سرد مثال زده می‌شود که اگرچه با یکدیگر تخصص شدیدی داشتند اما در نهایت به نوعی تنش‌زدایی رسیدند. در این روایت، خصوصا به شیوه‌ای که در ایران طرفدار دارد، طرف چینی تصمیم گرفت با آمریکا دوستانه



کاربر، اکنون ارزشمندتر از بسیاری از دولت‌ها هستند. این شرکت‌ها تعیین می‌کنند که چه اطلاعاتی به دست چه کسی برسد و حتی الگوهای مصرف و رفتار سیاسی را شکل می‌دهند.

در چنین فضائی، مالکیت داده به یکی از محورهای اصلی رقابت قدرت‌ها بدل خواهد شد. کشورهایی که نتوانند شبکه‌های ملی اطلاعات و قوانین سخت‌گیرانه برای حریم خصوصی و امنیت داده تدوین کنند، در آینده وابستگی خطرناکی به قدرت‌های فناوریانه خواهند داشت.

بحران انرژی و گذار سبز

با وجود اهمیت داده، انرژی همچنان یکی از



رفتار کند و همه چیز حل شد و آمریکا نیز با آغوش باز چین را پذیرفت. اما در روایت واقعی چین پس از دو دهه مقاومت در برابر فشار آمریکا، که حتی دولت چین را به رسمیت نمی‌شناخت و تایوان را نماینده قانونی سرزمین چین می‌دانست، توانست موجودیت خود را بر این کشور بقبولاند. یعنی افزایش نیروی چین و از جمله دستیابی آن به بمب اتمی بود که آمریکا را به این نتیجه رساند که نابودی دولت چین ممکن نیست. از سوی دیگر همان آمریکا برای مقابله با دشمن اصلی خود یعنی شوروی به دنبال ائتلاف با چین رفت تا ضمن اطمینان از جدایی چین و شوروی با این کشور علیه دشمن اصلی خود همکاری کند، با توجه به این توضیحات تنش‌زدایی چین و آمریکا نه محصول صرفا خواست و اراده و یا نیت‌های خیر و اعتمادسازی بلکه مقاومت و بمب اتم و توازن نیروهای بین‌المللی بود. در چنین شرایطی و از نگاه واقع‌گرایانه، ایران برای بقا و توسعه باید به ائتلاف‌ها و همکاری‌هایی بپیوندد که محدود به اراده غرب نباشند. این همکاری‌ها نه برگرفته از ایدئولوژی، بلکه بر اساس مهادنگی طبیعی منافع است. چین و روسیه هر دو در برابر فشار و تحریم‌های غرب قرار دارند و مانند ایران به دنبال نظام مالی و تجاری جایگزین برای نظام تحت کنترل غرب هستند. عقلانیت سیاسی حکم می‌کند حال که امکان نزدیکی امنیتی و همکاری‌های مستقل از غرب، که تأمین‌کننده منافع همه طرف‌ها نیز باشد با کشورهای شرقی وجود دارد، ایران با بهره‌گیری هوشمندانه از این فرصت جایگاه خود را در نظم در حال تغییر جهانی تقویت کند. پیوستن ایران

شکاف طبقاتی و بحران عدالت اقتصادی
یکی از تهدیدهای بزرگ آینده اقتصادی، تعمیق شکاف طبقاتی است. بر اساس گزارش‌های جهانی، یک درصد ثروتمندان بیش از ۴۵ درصد ثروت دنیا را در اختیار دارند. این نابرابری، نه‌تنها عدالت اجتماعی، بلکه ثبات سیاسی و امنیت جهانی را تهدید می‌کند. اعتراضات اجتماعی در اروپا، جنبش‌های عدالت‌خواه در آمریکا و شورش‌های خیابانی در آمریکای لاتین، تنها نشانه‌های آغازین این بحران‌اند. اقتصاد آینده اگر نتواند به سمت مدل‌های عادلانه‌تر توزیع ثروت حرکت کند، با موجی از بحران‌های اجتماعی و سیاسی مواجه خواهد شد.

جهان آینده؛ ضرورت نگاه چندبعدی آینده اقتصادی؛ از دلار تا داده

جهانی شدن یا منطقه‌ای شدن؟
یکی دیگر از پرسش‌های محوری اقتصاد آینده، سرنوشت جهانی‌شدن است. کرونا نشان داد که زنجیره‌های تأمین جهانی تا چه اندازه آسیب‌پذیرند. بسیاری از کشورها در حال بازاندیشی‌اند و به سمت منطقه‌ای کردن اقتصاد یا «تولید در نزدیکی بازار مصرف» حرکت می‌کنند. بنابراین، آینده اقتصادی احتمالاً ترکیبی خواهد بود: جهانی شدن دیجیتال (در عرصه داده و



۲. توان دفاعی خود را در برابر تهدیدات هوائی و سایبری افزایش دهد؛

۳. اعتماد متقابل و امنیت جمعی منطقه‌ای را تقویت نماید.

بر اساس داده ۵۱ منشور، چنین مانورهایی حق مشروع دفاع پیشگیرانه محسوب نمی‌شود، بلکه اقدامی برای پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی است. ۴. ضرورت ظهور فعال و مقتدر ایران در عرصه بین‌المللی در دنیای کنونی، قدرت سیاسی بدون پشتوانه قدرت دفاعی معنا ندارد. حضور مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی، مشارکت فعال در مذاکرات امنیتی، و طرح دعای حقوقی علیه تجاوز اسرائیل، باید با نمایش عزم و اقتدار ملی همراه شود.

صفحه ۸

چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۴

۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۸۵

آقای ظریف به جای فر افکنی از دسته‌گلی که به آب دادید عذرخواهی کنید!

در چند روز گذشته و به دنبال فعال سازی «مکانیسم ماشه» از سوی اروپایی‌های عضو برجام، اظهارنظرهای متعددی از جانب افراد مختلف در مورد باعث و بانی این بند مطرح شده و دعوای بر سر آن بالا گرفته است.

چند روز پیش سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه که در زمان مذاکرات برجام نیز با همین سمت در فرآیند مذاکرات حضور داشت، ضمن تبیین روند عجیب و غریب اسنپک که به هر عضو برجام اجازه می‌داد تحریم‌ها را به‌تنهایی بازگرداند، در اظهاراتی تکان دهنده اعلام کرد جواد ظریف شخصاً و با هماهنگی کلی کرای این بند را که به تعبیر او یک «تله محض» بود در برجام گنجدند. لاوروف می‌گوید وقتی شرکای ایرانی ما خودشان این کمین محض را پذیرفتند، با آنکه ما شگفت‌زده شده بودیم اما اعتراضی نکردیم.

لاوروف البته در سال ۲۰۱۹ هم ادعای مشابهی را بیان کرده و از اینکه هیئت ایرانی برخی شروط غربی‌ها را پذیرفته بودند اظهار شگفتی کرده بود.

عصر پنجشنبه اما جواد ظریف به این اظهارات لاوروف واکنش نشان داده و گفت: «نه‌تنها اسنپک برای روزهای آخر مذاکرات نبود بلکه اختصاص به گفت‌وگوهایی بین بنده و جان کری نیز نداشت. آقای لاوروف و فرانسوی‌ها پیشنهادی در مورد وضعیت قطعنامه‌های گذشته شورای امنیت علیه ایران دادند که خیلی بد بود و ما تلاش زیادی کردیم تا آن پیشنهاد را کنار بگذاریم… یک روز بدیدم آقای کری کاغذی در دست و پیشنهادی دارد مبنی بر اینکه بیاییم قطعنامه‌ها را ۶ ماه عمده تعلیق کنیم …!.. به کری گفتم این چه پیشنهادی است که آورده‌ای؟ به عقل و شعور من توهمین می‌کنی؟ گفت نه من به شعور تو توهمین نمی‌کنم این را راقبقت لاوروف داده است.» صرفنظر از آنکه چرا ظریف تاکنون به چنین موضوعی اشاره نکرده بود و حرفی از به قول خودش کارشکنی روس‌ها در ماجرای برجام نزده بود، شاهد دیگری هست که گفته‌های اعتبار مقصرتراشی ظریف از لاوروف را به گونه‌ای اساسی زیر سؤال می‌برد، و آن اظهارات علی‌اکبر صالحی رئیس وقت سازمان انرژی اتمی در زمان مذاکرات برجام است؛ اخیراً گفت‌وگویی از صالحی در فضای مجازی منتشر شده که او به صراحت ایده اسنپک را به آمریکایی‌ها نسبت می‌دهد می‌گوید: «آمریکایی‌ها می‌خواستند اگر ما از دید آنها به هر دلیلی نسبت به تعهدات برجام کم گذاشتیم، آنها با یک شمشری بالای سر ما باشند تا بتوانند ما را تحت فشار بگذارند» و تأکید می‌کند اتفاقاً لاوروف درخصوص تفرندی که «به نحو زیرکانه‌ای حق و تو را از کشورهای دارای این حق می‌گرفت»، «هتراضی کننده» و هتداری می‌دهد اما متأسفانه هیئت ایرانی وقعی به این هشدار نمی‌دهد و به تعبیر صالحی «دیگه حالا این پیش رفت!»

ظریف پیش از این هم در مورد مکانیسم ماشه مرتکب خلاف‌گویی شده بود و در ایام مذاکرات که متأسفانه نسبت به وجود چنین چاه ویلی در توافق هشدار می‌دادند، با انکار قاطع آن مدعی بود اساساً چنین بندی در برجام وجود ندارد، و این هنوز غیر از خلاف‌گویی‌های وی درخصوص رعایت تمام «خطوط قرمز» تعیین‌شده از جانب رهبری و «لغو کامل همه تحریم‌ها» است که به‌درغم آنکه در مجلس به صراحت بر آن تأکید کرده بود، اخیراً تأکید از پذیرش «تعلیق» شده است، هرچند با انتساب آن به «فرانسجکوتامای اهل ایتالیا از پذیرش مسئولیت آن هم طفره می‌رودا و به این ترتیب وقتی او نه در پذیرش «تعلیق به جای لغو» و نه «اسنپک» نقش نداشته، گانه اساساً فرد دیگری برجام را رقم زده است!

آن‌چه فارغ از خلاف‌گویی آشکار ظریف در مورد عامل اسنپک و بازگشت تحریم‌ها قابل توجه است، روس‌ستیزی شدید و در مقابل تلاش بی‌انزاه وی برای تطهیر غرب و به‌ویژه آمریکایی‌ها در ماجرای گسل‌های عمیق برجام است؛ در حالی که نخستین گلوله را ترامپ با خروج از برجام به پیکر نیمه‌جان آن شلیک کرد و اروپایی‌ها با فعال‌سازی مکانیسم ماشه تیر خلاص را به آن زدند و بارها درخلال مذاکرات و پس از آن در ماجرای اینستیکس کارشکنی کردند، بقیه روسیه و لاوروف را گرفتن پدیده نوبری است که تنها از جواد ظریف برمی‌آید، همچنان که پذیرش مکانیسم ماشه نیزا و این همه در شرایطی است که تعبیری که لاوروف درخصوص رفتار اروپایی‌ها در فعال‌سازی اسنپک به کار برد و از آن با عبارت «شرم‌آور» یاد کرد در حقی بدیللمات‌های ایرانی هم به کار نبرند!

غرب‌گرایی افراطی و شرق‌ستیزی آشکار ظریف البته چیزی نیست که مختص به امروز باشد و بروز آن را در بی‌توجهی دولتی که وی مسئولیت وزارت خارجه‌اش را عهده‌دار بود به ارتباط با شرق و به‌ویژه قرارداد جامع ایران و چین و نیز پشت کردن به روس‌ها به‌درغم تمام کمک‌های آنها در دوران تحریم‌ها بعینه شاهد آن بوده‌ایم. این اظهارات ظریف در شرایط اتحاد همه‌جانبه جبهه غرب علیه ما که حاکمیت بیش از همیشه به همراهی و حسن‌رابطه با روس‌ها تأکید دارد، بسیار قابل تأمل است؛ به‌ویژه وقتی را در کنار مواضع جنجالی اخیر او در تشکیک در ضرورت توانمندی دفاعی کشور و رقم زدن دوگانه مغالطه‌آمیز و بسیار خطرناک «موشک- مردم» ارزیابی کنیم، امری که کاملاً در راستای شروط مکرر ذکرشده غربی‌ها در محدودسازی توان موشکی کشور است.

با این‌همه این آن‌چه درخصوص مسئله اسنپک مسلم است این که فارغ از آن‌که چه کسی بانی و بنیانگذار آن بوده است، جواد ظریف و تیم مذاکره ایرانی می‌توانستند آن را نپذیرند که متأسفانه نشانی نداشت و اشتباه آنها به رقم زدن توافق به هر قیمتی و با منطبق «هر توافقی بهتر از عدم توافق است»، نتیجه‌اش شد پذیرفتن شرطی که هیچ عقلی آن را برنمی‌تابد، و گذشته از آن‌که حاصل زحمات خود را هم به باد دادند «خسارت محض» و بی‌اندازه‌ای را به کشور و مردم تحمیل کردند که چه‌بسا تا نسل‌ها ناگزیر از پرداخت هزینه‌های آن باشیم. اما آن‌چه در خلال دعوای مقصریابی این مکانیسم خودنمایی می‌کند این است که اسنپک آن‌چنان اقتضاج بزرگ و غیرقابل توجهی است که هیچ‌کس از شهامت پذیرش مسئولیت آن به هیچ عنوان نمی‌تواند از مسئولیت آن شانه خالی درصدد شانه خالی کردن از قبول آنداد و این در حالی است که به وقت خود در مورد آن مکرر هشدار داده شد، اما متأسفانه هشدارها پاسخی جز تهمت و تحقیر و حواله «به جهنم» نگرفت! به هر حال اعضای اسنپک در کارنامه جواد ظریف ثبت شده و او به هیچ عنوان نمی‌تواند از مسئولیت آن شانه خالی کند، پس بایسته است به عوض فرافکنی و مقصرسازی از آنها که نقشی در این اقتضاج نداشته‌اند، و نیز به جای تطهیر غرب در طراحی این داستان، از دسته‌گلی که به آب داده عذرخواهی کرده و بیش از این به خلاف‌گویی متوسل نشود که تنها عرض خود می‌برد و زحمت ما می‌دارد.

سید محمد جوادی